



امکان سنجی حق اشتغال شهروندان معلول از منظر قوانین موضوعه و اسناد بین المللی

هدیه سادات میرترابی، احسان آقا محمد آقایی، خاطره قاسمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

چکیده

حق اشتغال معلولان، از یک سو بنا به ملاحظات شهروندی، دغدغه اکثر اسناد عام و خاص حقوق بشری، اعم از بین المللی و منطقه‌ای قرار دارد و از دیگر سو، به دلیل مقتضیات خاص جسمی و ذهنی شهروندان، ممکن است نیازمند تعهدشناسی ویژه از جانب دولت‌ها، بنا به ملاحظات رفتاری و الزامات حمایتی باشد. در این میان، اصل برابری فرصت شغلی و اصل منع تبعیض که بنیادی‌ترین اصل در تمامی اسناد حقوق بشری و قوانین داخلی هستند، دولت را به مثابه نهادی مسئول و متعهد هدف می‌گیرد و بر آن است که تعهد دولت در زمینه حقوق معلولان با عنایت به موجه بودن تبعیض مثبت، مستلزم باز تفسیری از حقوق و تکالیف مربوطه است. در نظام حقوقی ایران به موجب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان تقریباً تمام ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی، نیمه دولتی، نهادهای عمومی و انقلابی و حتی بعضاً خصوصی و غیرانتفاعی را ملزم به حمایت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی شهروندان معلول می‌نماید و به عنوان نخستین قانون که چنین نگاه وسیع و گسترده‌ای به مسائل معلولان دارد، دارای اهمیت است. با وجود این، در اجرای سیاست‌ها و قوانین کاستی‌هایی از جمله در به کارگیری شهروندان معلول در مشاغل که استعداد و توانایی انجامشان را دارند، به خاطر نداشتن ظاهر مورد قبول جامعه، مشاهده می‌شود. از این رو، نگارندگان در نوشتار حاضر، در تلاشند تا در پرتو قوانین موضوعه و تأکید بر تعهدات دولت، امکان بهره‌مندسازی شهروندان معلول را از حق اشتغال ایشان در جامعه، بسنجند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: حق اشتغال شهروندان معلول، قوانین موضوعه، اسناد بین المللی، تعهد دولت

^۱ . استادیار گروه حقوق، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mirtorabi52@ut.ac.ir

^۲ . استادیار گروه حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۳ . کارشناس ارشد حقوق عمومی

۱- مقدمه

بنا بر آمارهای رسمی، از تولد هر ده کودک در جهان، یک کودک معلول به دنیا می‌آید، یا ممکن است بنا به دلایلی و یا حادثه‌ای، در آینده معلول شوند. با توجه به آمار مذکور، تقریباً به طور متوسط، ده درصد از افراد جامعه را معلولین تشکیل می‌دهند. برخلاف تصورات رایج اغلب مردم و مسئولان، عمده مشکلات معلولان، ضعف جسمی یا کم‌توانی مالی نیست، بلکه نوع نگاه مسئولان و برخی از شهروندان که آنان را نیروهایی کم‌توان و ضعیف تصور می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌های کلان حکومت، معلولان از درجه اهمیت ساقط شده‌اند، مشکل عدیده‌ی افراد توان‌خواه محسوب می‌شود. در عصر کنونی، رویکرد جامعه نسبت به وضعیت معلولین متحول شده، به طوری که از رویکرد سنتی که موضوع طرد مطلق معلولین بوده و رویکرد دوم که بعد از پایان جنگ جهانی اول و دوم بوده، فاصله گرفته شده است. در دوره‌ی فعلی، معلولان به عنوان بخشی از شهروندان جامعه مورد پذیرش قرار گرفته‌اند و تلاش‌های زیادی از طرف دولت‌ها به منظور شناسایی حقوق با رعایت اصل کرامت انسانی آن‌ها، انجام شده است.

معلولان به مثابه یک شهروند و به عنوان عضوی از اجتماع، باید از حق کار و اشتغال برخوردار باشند. موضوع اشتغال معلولان، از ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت می‌باشد و کاملاً محرز است که اثرات سوء بیکاری این شهروندان در مقایسه با سایر افراد، مخاطراتی را در جامعه ایجاد می‌کند. موضوعات اجتماعی از جمله نگرش منفی جامعه نسبت به اشتغال معلولان، عدم آگاهی معلولین نسبت به توانمندی‌ها، افزایش مشکلات اقتصادی برای کارفرمایان در زمان استخدام معلولان، عدم وضع قوانین حمایتی؛ از جمله مصادیقی است که ناکامی افراد معلول را دستیابی به مشاغل افزایش می‌دهد. بنابراین، هنگامی که آینده‌ی اشتغال معلولان مورد تهدید قرار می‌گیرد، بیش از دیگر اعضای جامعه، دچار آسیب (روحي و گاهاً جسمی) می‌شوند، لذا به دلایل شرایط جسمانی خاص معلولان، اتخاذ سیاست‌های حمایتی توسط دولت‌ها به منظور دستیابی به فرصت‌های برابر در مشاغل، طبعاً افزایش مشارکت معلولان در جامعه را به همراه دارد.

گرچه در نظام حقوقی ایران، قانون جامع حمایت از حقوق معلولین با وجود مشکلات بسیار، نهایتاً به تصویب رسیده است، اما اجرای تمام آنچه در قانون الزامی شناخته شده، نیاز به بسترسازی و صرف هزینه‌های مالی فراوان دارد، لذا ضروری است به شرایط افراد توان‌خواه، که خود دارای طیف‌های متنوعی هستند، مذاقه شده و با واکاوی قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی، وضعیت این افراد و موانع پیش روی قوانین برای اجرایی شدن تمام و کمال آن، من جمله کافی نبودن منابع اعتباری اشتغال با توجه به آمار متقاضیان، عدم وجود مربیان و جایگاه‌های آموزشی خاص برای آموزش فنی و حرفه‌ای معلولین و غیره، مورد مطالعه جامع قرار گیرد. در این پژوهش با در نظر داشتن قوانین حمایتی افراد توان‌خواه، سعی در واکاوی وضعیت اشتغال و بیمه این افراد با توجه به مقتضات جامعه امروز و نیازهای این افراد، شده است.

۲- مفاهیم

۲-۱- معلولیت

معلولیت در لغت به شرایط جسمی، ذهنی و یا روانی لحاظ می‌شود که فرد به واسطه آن از اقدامات و فعالیت‌های روزانه باز می‌دارد و یا حداقل در انجام اقدامات با محدودیت‌هایی روبرو می‌شود. معلولیت در انواع مختلف حرکتی،

حواسی، احشایی و روانی قابل تدقیق است. در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی تعاریف متعددی نسبت به معلولان مطرح شده است.

در تبصره ماده یک کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، تصریح شده: معلولان، افرادی می‌باشند که دارای نواقصی از ابعاد فیزیکی، ذهنی و یا فکری می‌باشند که در تعامل موانع گوناگون، امکان دارد مشارکت کامل و مؤثر آنان در شرایط برابر با دیگران در جامعه متوقف گردد.

در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، افرادی که به دلیل ضایعه‌ی جسمی، ذهنی و روانی، اختلالی قابل توجه و مستمر در کارایی عمومی و سلامتی‌شان ایجاد شود و این موضوع، به تایید کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی برسد، معلول تلقی می‌شوند. در این قانون، تنها جنبه‌ی فیزیکی و روانی افراد، مورد توجه قرار گرفته است که نشان دهنده‌ی آن است که قانونگذار، معلولیت را شرط کاهش استقلال فرد دانسته است و محدودیت‌های محیطی، اجتماعی و سیستمی را که باعث بروز معلولیت در فرد می‌شوند را مشمول قانون ننموده است؛ در حالی که این عوامل، موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود.

بنا به آمار سازمان بهداشت جهانی، تعاریف متعددی در مورد معلولان مطرح شده است که در سه موضوع، با هم اشتراک دارند: محدودیت‌های عمده در کارکرد ذهنی، محدودیت عمده در رفتارهای انطباقی و بروز این نشانه‌ها قبل از بلوغ، قطعاً از منظر حقوقی و به ویژه از بعد حمایتی حقوق بشری، معیار سوم را نمی‌توان به عنوان معیاری در تعریف کم‌توانان ذهنی به کاربرد. به عبارت دیگر بروز نشانه‌های کم‌توانایی ذهنی در مرحله سنی مشخص، شخص را مشمول اقدامات حمایتی حقوق بشری خواهد نمود. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۸)

۲-۲- تبعیض مثبت

تبعیض مثبت به آن دسته از سیاست‌ها و دستورالعمل‌هایی اطلاق می‌گردد که از طرف قانون‌گذار به شکل موقتی و مخصوص به دوره‌های خاص، مورد استفاده قرار گرفته است تا توسط آنها تفاوت‌های حقوقی ناشی از شرایط خاص گروهی در اجتماع از قبیل رنگ، نژاد، جنسیت، زبان، عقیده، اصالت ملی و یا قومی و مانند اینها را با هدف رفع نابرابری‌های ایجاد شده در گذشته و یا حال، جبران نماید. نتیجتاً این امر باعث خواهد شد تا منافع معمولاً به نفع گروه‌هایی خاص از افراد در یک اجتماع و به زیان گروه‌هایی دیگر از اشخاص (گروه‌هایی که اکثریت یک اجتماع هستند) با هدف جبران نابرابری‌های ایجاد شده، به وجود آید. (سلیمان عمرانی: ۱۳۳: ۱۴۰۱)

۲-۳- حق بر اشتغال

از اقسام حقوق اقتصادی و اجتماعی بشر، حق بر اشتغال است. این حق از جنس حق مطالبه بوده و از تعهدات دولت‌ها می‌باشد، بدین معنا که دولت‌ها می‌بایست فرصت‌های برابر را برای تمامی افراد جامعه در دستیابی به مشاغل ایجاد نمایند. هر کس از این حق برخوردار است که با آزادی و اختیار، شغل شرافتمندانه و متناسب با شرایط خود را انتخاب کند و به وسیله آن زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین و آینده خود را تضمین نماید. دولت‌های امروزه وظیفه دارند تا برای همه شهروندان، شغل مناسبی را در نظر بگیرند و امکان برعهده گرفتن وظایف عمومی را برای افراد واجد شرایط فراهم نمایند. (پروین، ۱۳۹۵: ۳۵۱)

۳- اشتغال معلولان

گرچه فرد معلول از یک یا چند نعمت خدادادی محروم می‌باشد، لیکن با قویتر شدن دیگر توانایی‌ها، می‌تواند در بعضی مواقع از یک فرد عادی هم کارآمدتر باشد که نمونه‌های آن در جامعه فراوان دیده می‌شود. برای مثال آقای وحید رجب‌لو دارای بیش از ۹۰ درصد معلولیت می‌باشد، این جوان نخبه معلول دو شرکت کارآفرینی در حوزه مخابرات و پست ایجاد کرده و زمینه اشتغال بسیاری از معلولان را در این حوزه فراهم کرده است. وی شرکت مهم استارت آپ با عنوان توانیتو را در جهت خدمات رسانی بهتر به افراد معلول تاسیس کرده است. همچنین در کارخانه فیروز، که برخی آنجا را «بهشت معلولین» می‌دانند، بیش از ۹۰ درصد پرسنل دارای معلولیت در ۳ شیفت مشغول به کار هستند و هرکاری که بتوان آن را با دست انجام داد، به نیروی انسانی دارای معلولیت سپرده می‌شود. از مهم‌ترین دستاوردهای این مجموعه آن است که در سال ۱۳۹۶ در کنفرانس بین‌المللی توسعه کسب و کار فراگیر که در کشور ترکیه برگزار شد، به عنوان مدلینگ معرفی گردید و نمونه‌ای از کارآفرینی برای افراد آسیب پذیر جامعه را به جهانیان معرفی کرد. بنابراین، می‌توان گفت اشتغال، لازمه‌ی زندگی بشر است؛ زیرا دوام و بقای جامعه و زندگی هر فرد، مستلزم کار و فعالیت است. معلولان به مثابه یک شهروند و در راستای تحقق اصل کرامت انسانی، باید بتوانند با توجه به محدودیت‌های بعضاً جسمی و یا ذهنی، شغل مناسبی را انتخاب کنند و طبعاً انتخاب شغل، استقلال را برای معلولان به دنبال دارد. قوانین و مقررات حاکم بر حقوق شغلی معلولان را در یک دسته بندی کلی، می‌توان از دو دیدگاه اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی مورد بررسی قرار داد.

۳-۱- اشتغال معلولان از منظر اسناد بین‌المللی

به طور کلی، رویکرد اسناد بین‌المللی در جهت حمایت از حقوق معلولان در سه دیدگاه قابل بررسی می‌باشد. دیدگاه رفاه اجتماعی که به موجب آن، دولت‌ها مکلف هستند امتیازات ویژه‌ای را برای معلولان در نظر بگیرند، تا به واسطه آن از وضعیت رفاهی مناسبی برخوردار باشند و در تأمین نیازهای اساسی خود با حداقل مشکلات روبرو باشند. این دیدگاه، در دهه‌ی هفتاد و در اعلامیه حقوق معلولان مصوب ۱۹۷۵ انعکاس یافت. با توجه به عدم اجرایی شدن مفاد این اعلامیه، دیدگاه دوم در قالب اصل برابری فرصت‌ها مطرح شد، که دولت‌ها در راستای اجرایی شدن این موضوع، باید اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی را در راستای ایجاد فرصت برابر برای افراد معلول در نظر بگیرند و این مهم نیز در مجموعه قواعد استاندارد مربوط به برابری فرصت‌ها، در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسید. تحولات بعدی، موجب شد که رویکرد برابری فرصت‌ها به صورت نگرش حقوق بشری تکامل یابد و حقوق اشخاص دارای معلولیت، به عنوان بخشی از نظام کلی حقوق بشر مورد توجه قرار گیرد. (یوسفیان، ۱۳۸۷: ۲۱۱) حاصل نگاه حقوق بشری به معلولان، عاملی شد که در تمامی اسناد بین‌المللی عام و خاص از جمله: کنوانسیون حقوق کودک، پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، اعلامیه حقوق عقب‌ماندگان ذهنی، مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، کنوانسیون حقوق معلولان این موضوع مطرح شود.

۳-۱-۱- کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)

اولین کنوانسیون بین‌المللی سازمان ملل که به طور خاص به معلولان اشاره می‌نماید، کنوانسیون حقوق کودک است که در بند اول ماده ۳، حقوق کودکان معلولان را بیان می‌کند. این کنوانسیون با توجه به لزوم بالاترین حد حضور در جامعه و رشد فردی کودک، دولت را موظف به ارائه خدمات مختلف آموزشی، بهداشتی، توانبخشی، آماده‌سازی اشتغال

و امکانات تفریحی می‌نماید. (مصفا، ۱۳۸۱: ۲۵۷) در ماده مذکور، با تاکید بر حق آموزش که به عنوان مهمترین حقوق معلولان به ندرت مورد توجه قرار گرفته، افزایش آگاهی خانواده، ارائه خدمات توانبخشی متناسب با نیازهای ویژه کودکان معلول و تعلیم و تربیت، در صدد است فرصتی را مهیا کند که کودکان با شناسایی توانمندی‌هایشان، جایگاه شغلی مناسبی را در آینده پیدا کنند و به عنوان رکنی مؤثر در فعالیتهای اقتصادی جامعه حضور داشته باشند.

بنابراین در این کنوانسیون، ارائه خدمات به کودک معلول، جهت توانبخشی و ورود به عرصه اشتغال یکی از حقوق کودک در کشورهای بی طرف، قلمداد شده است. امری که بیشتر جنبه توصیه‌ای دارد تا اعلام قاعده‌ای لازم‌الاجرا و در نتیجه برای کشورهای عضو الزامی ایجاد نمی‌کند. (بیگدلی، ۱۳۷۹: ۳۰)

۳-۱-۲- اعلامیه حقوق افراد عقب‌مانده ذهنی (۱۹۷۱)

اعلامیه حقوق افراد مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی در سال ۱۹۷۱، گام مهمی در جهت حمایت از حقوق معلولان برداشته است. در ماده ۳ این اعلامیه که با محوریت معلولیت ذهنی و نه همه‌ی اقسام آن به تصویب رسیده، بر دو حوزه از حقوق کار این گروه از معلولین تاکید شده است. اول: حق بر امنیت اقتصادی و استانداردهای شایسته زندگی. دوم: حق برخورداری از اشتغالی مولد یا هر شغل سودمندی که از حداکثر توانایی آنها بهره‌بردارد. (ابدی، ۱۳۹۱: ۹۱) بنابراین دولت‌ها در جهت تحقق این اصل از اعلامیه، باید موانع قانونی را در مورد استخدام معلولان حذف کنند تا به کاری که قادر به انجام آن می‌باشند، اشتغال ورزند و در قبال کار انجام شده، از حقوق مکفی به منظور تأمین معاش خود برخوردار گردند.

۳-۱-۳- اعلامیه حقوق معلولان (۱۹۷۵)

از جمله اقدامات مهم در عرصه بین‌المللی، تصویب اعلامیه حقوق معلولان در اواخر سال ۱۹۷۵ بود، محتوای اعلامیه به طور اجمالی به شرح ذیل است:

در ماده یک اعلامیه، نخستین امری که مورد توجه قرار گرفته، تعریف و مفهوم اصطلاح «اشخاص معلول» است. اصل عدم تبعیض در بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌ها، در ماده ۲ اعلامیه تقریر شده است. در ماده پنج تا سیزده به حقوق اختصاصی معلولان در این راستا توجه شده است. به این ترتیب، ماده پنج مقرر می‌نماید: «معلولان باید از تدابیری که تا حد امکان جهت خود اتکایی آنان طراحی شده، بهره‌مند شوند». در حقیقت با تقریر این ماده، جهت‌گیری کلی دولت‌ها را به سازمان‌دهی برنامه‌هایی در جهت فراهم آوردن امکان خوداتکایی معلولان، معطوف نموده است.

در بند ۷ اعلامیه مذکور، حق اشتغال معلولان از سه جهت مورد تأکید قرار گرفته است. اول: حق برخورداری از امنیت اجتماعی و اقتصادی، دوم: حق داشتن شغلی مناسب، سوم: حق عضویت در اتحادیه. بنابراین در این ماده، سه موضوع مهم را که شامل تأمین اجتماعی، اشتغال و آزادی سندیکایی را در مورد معلولان در نظر گرفته است. (ابدی، ۱۳۹۱: ۹۱)

۳-۱-۴- برنامه جهانی اقدام برای افراد معلول (۱۹۸۲)

در این طرح جامع مصوب ۳ دسامبر ۱۹۸۲، نظر به محرومیت بسیاری از معلولین از اشتغال یا فعالیت در مشاغل سطح پایین، تضمین فرصت‌های برابر برای اشتغال مولد معلولین در بازار آزاد، توسعه تجهیزات متناسب و تدابیری همچون طرح‌های سهمیه‌بندی تشویقی، به کار گماشتن در کارهای خاص، ارائه وام یا کمک‌های بلاعوض برای مشاغل و تعاونی کوچک توصیه شده است. مجموعه‌ای از اقدامات که می‌بایست، اولاً با در نظر گرفتن توان‌بخش خصوصی و عدم اختلال

در فعالیت‌های آن، ثانیاً با همکاری و تعامل اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی صورت گیرد تا با توسل به راهبرد و عملکردی مشترک، فرصت‌های کاریابی و اشتغال معلولین را بیشتر و بهتر تضمین نماید. (بابایی اهری، ۱۳۷۲: ۷۱-۷۰)

۳-۱-۵- کنوانسیون بین‌المللی حقوق معلولان (۲۰۰۶)

یکی از مهمترین اسناد بین‌المللی که در جهت حمایت از حقوق معلولان با تأکید بر بسیاری از حقوق و آزادی‌های بنیادین (مدنی، اقتصادی، اجتماعی) به تصویب رسیده است، کنوانسیون حقوق معلولان می‌باشد. در این کنوانسیون، با توجه به اصل برابری فرصت‌های شغلی که با توجه به وضعیت معلولان در قالب تبعیض مثبت تفسیر می‌شود، اشتغال معلولان مورد مذاقه قرار گرفته است. به عبارتی، با تبعیت از اصل تبعیض مثبت که در تمامی کنوانسیون‌های حقوق بشری مرسوم است، بر این نکته تأکید شده که معلولان، استحقاق برخورداری از تمام حقوق مندرج در اعلامیه را داشته و در اعطای این حقوق، نباید هیچ‌گونه استثناء و تبعیضی وجود داشته باشد. (توسلی نائینی، ۱۳۸۷: ۶۵) بنابراین در کنوانسیون مذکور، استقلالی را برای معلولان در نظر گرفته که فی‌الواقع باعث ایجاد حقوقی برای آنها شده و طبعاً تکالیفی و تعهداتی را برای دولت ایجاد می‌کند که بستر مناسبی را جهت اجرایی کردن حقوق مذکور فراهم کند.

در ماده ۲۷ کنوانسیون، به موضوعاتی از جمله عدم تبعیض در دستیابی به مشاغل اعم از خصوصی و دولتی، حقوق و مزد منصفانه معلولان، ارتقاء فرصت شغلی، ایجاد سندیکا و اتحادیه تجاری و کارگری برابر با سایرین، ایجاد فرصت خود اشتغالی و کارآفرینی، تضمین ارائه فضای متعارف و متناسب در محیط کار، دسترسی به برنامه‌های عمومی نسبت به معلولان اشاره می‌کند. اجرایی شدن مفاد ماده ۲۷ در ابتدا منوط به آموزش معلولان جهت بازپروی و توان بخشی، ایجاد شرایط فیزیکی مناسب جهت اشتغال، وضع قوانین داخلی که به واسطه آن کارفرمایان مکلف شوند، در صدی از استخدام را به اشتغال معلولان اختصاص دهند، می‌باشد. علی‌رغم اقدامات مثبتی که در دهه‌های اخیر تحقق پیدا کرده است، نگرش جامعه و بالاخص کارفرمایان، نسبت به اشتغال معلولان منفی می‌باشد که برطرف کردن این موضوع، نیازمند فرهنگ‌سازی و اصلاح قوانین می‌باشد.

مجلس شورای اسلامی، با افزودن حق شرط مبنی بر اینکه مفادی از کنوانسیون که در تعارض با موازین حقوقی می‌باشد، قابلیت التزام را در نظام جمهوری اسلامی ندارد، مفاد کنوانسیون را در سال ۱۳۸۷ مورد پذیرش قرار داده است.

۳-۱-۶- مقاله‌نامه سازمان بین‌المللی کار

ایجاد سازمان بین‌المللی کار با هدف تدوین و اجرای مقررات کار در سطح بین‌المللی، به منزله‌ی گامی اساسی در حمایت از حقوق کارگران و تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی به حساب می‌آید. (عراقی، ۱۳۹۱: ۴۱) هدف این سازمان، کار معقول و مناسب برای همه، از جمله افراد دارای معلولیت است و بدین سبب طیف وسیعی از اسناد مرتبط با حق کار را به تصویب رسانیده است. این سازمان، در گزارش سال ۲۰۰۹ خود بیان می‌دارد که معلولین، فقیرترین قشر جوامع می‌باشند که علت اصلی این وضعیت، نداشتن شغل و اشتغال مناسب است.

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۵۵، توصیه نامه شماره ۹۹ را درباره‌ی بازتوانی شغلی معلولان تصویب نمود. (موسوی بافتی، ۱۳۹۴: ۷۲) این سند، از مهمترین اسناد در رابطه با معلولان می‌باشد و تقریباً تا سی سال پس از آن، این ابزار بین‌المللی

به عنوان پایه‌ای برای تمامی مقررات ملی بود. توصیه‌نامه شماره ۹۹، علی‌رغم آنکه مربوط به هیچ کنوانسیون نبود، تأثیری بسزایی در قوانین ملی و رویه دولت‌ها گذاشت. (Oreilly, 2007: 18-20)

در این توصیه‌نامه، به روش‌های گسترش فرصت‌های شغلی برای کارگران معلول، مشارکت کارفرمایان و سازمان‌های کارگری در سهمیه‌بندی مشاغل و ذخیره‌بندی آنها ایجاد تعاونی و کارگاه‌ها اشاره کرده است. (ILO, 2005: 10)

توصیه‌نامه ۹۹، زمینه‌ی تصویب مقاله‌نامه ۱۵۹ را فراهم ساخت. مقاله‌نامه ۱۵۹ نیز، یکی از مهمترین اسناد بین‌المللی در رابطه با کار معلولان است که از بیستم ژوئن ۱۹۵۸ قابل اجراست. این مقاله‌نامه، طرفدار سیاست توانبخشی معلولین است تا قادر به تامین امنیت، حفظ و پیشرفت در شغل مناسب باشند و در جامعه ادغام گردند. (Nuberger, 2007: ۳۷)

به موجب ماده ۲ این مقاله‌نامه: هر کشور عضو، باید منطبق با شرایط و اسلوب‌های ملی و امکانات موجود، سیاست ملی روشنی را در مورد بازتوانی حرفه‌ای و اشتغال معلولان تدوین و اجرا نموده و به نحو منظم آن را مورد تجدید نظر قرار دهد. در ماده ۵ و ۹ مقاله‌نامه به موضوع متخصصان و کارشناسانی اشاره می‌کند که نقش مهمی را در بازتوانی حرفه‌ای و اشتغال معلولان ایفا می‌کنند.

بخش سوم مقاله‌نامه ۱۵۹ در ذیل ماده ۶ و ماده ۷، به اقدام در سطح ملی برای توسعه‌ی توانبخشی شغلی و خدمات شغلی معلولین اشاره دارد و خواستار برداشتن گام‌هایی با توجه به شرایط ملی می‌شود که این اقدامات، باید با توجه به ارائه و ارزیابی مشاوره شغلی، آموزش شغلی، کاریابی، اشتغال و سایر خدمات مربوط به معلولین، هر جا که ممکن و مناسب باشد، انجام گیرد.

۳-۱-۷- قطعنامه قواعد استاندارد درباره برابری فرصت‌ها برای معلولان (۱۹۹۳)

این سند، از جمله اسناد بین‌المللی حقوق بشری است که به جهت حمایت از حقوق معلولین به تصویب رسیده است و مطابق مقدمه، جنبه‌ی الزام‌آور ندارد، اما می‌تواند در شکل‌گیری قواعد عرفی بین‌المللی با توجه به برخی اصولی که در این سند آمده است، موثر باشد. (مصفا، ۱۳۸۱: ۲۶۰)

در مقدمه قطعنامه، با اشاره به اینکه در گذشته به دلیل عدم آگاهی و خرافات حضور معلولان در سطح جامعه کاهش یافته، مسئله عدم پیشرفت معلولین را به دلیل منزوی شدن در سطح جامعه را مطرح می‌کند. در ادامه، در مفاد قطعنامه اقدامات بین‌المللی پیشین درباره‌ی حقوق معلولان مورد اشاره قرار داده شده و هدف و محتوای مقررات استاندارد، درباره‌ی یکسان‌سازی فرصت‌ها برای معلولان که همانا، تضمین برابری حقوق و وظایف اشخاص معلول اعم از زن و مرد با دیگر اعضای جوامع است، مورد تأکید قرار گرفته است. (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۲)

بند ۲۶ این قطعنامه مقرر می‌دارد: افراد معلول به عنوان اعضای جامعه، باید حمایت‌های عادی آموزش، بهداشت، اشتغال و خدمات اجتماعی مورد نیازشان را دریافت کنند. از اصول اولیه برای اشتغال و فرصت برابر، افزایش آگاهی مردم و معلولین از حقوق، نیازها، توانایی‌ها و استعدادها بالقوه معلولین است. بر این اساس، دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که برنامه‌ها و خدمات موجود برای معلولین به اطلاع عموم مردم از جمله معلولین برسد و اقدامات تبلیغی برای این کار، به منظور ترویج برابری حقوق و وظایف معلولین و حذف موانع کامل مشارکت برابر به عمل آورند. (بهری خیای، ۱۳۹۷: ۱۲۷)

۴- اشتغال معلولان از منظر قوانین داخلی

در ابتدا، به طور مختصر از مفهوم حقوقی استخدام صحبت می‌کنیم. منظور از حقوق استخدامی، کلیه امتیازاتی است که شخص در قبال کار خود، استحقاق بهره‌مندی از آن پیدا می‌کند. در قوانین و مقررات ما، استخدام عمومی را می‌توان به دو دسته قوانین و مقررات عام و خاص، تقسیم کرد. مقررات عام، ناظر به قانون استخدام کشوری و اصطلاحات و آیین‌نامه‌های بعدی آن تا سال ۸۶ بوده است که به موجب ماده ۱۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری جایگزین آن شده است و مقررات خاص، استخدامی نیز که قانونگذار آن را از شمول قوانین و مقررات عام استخدامی استثناء کرده است. ماده ۱۱۷ قانون مذکور، نهادها و مؤسسات و تشکیلاتی که زیر نظر مستقیم رهبری است را، مستثنی کرده است. آنچه که بر بخش خصوصی حاکم است، قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام است که در ماده ۱۸۸ قانون مذکور، اشخاص مشمول قانون استخدام کشوری یا سایر قوانین و مقررات خاص استخدامی را از شمول آن خارج کرده است. (موسوی، ۱۳۹۶: ۹۱)

فارغ از نوع استخدام معلولان در بخش دولتی و یا خصوصی، به استناد اصول ۲۰ قانون اساسی، همه‌ی شهروندان از حقوق اقتصادی و اجتماعی برخوردارند، یکی از مصادیق حقوق اقتصادی در قالب حق اشتغال تجلی پیدا می‌کند. گرچه در هیچ‌یک از اصول قانون اساسی، به صورت خاص به وضعیت معلولان اشاره نشده است، اما این اصل به دلیل کلیت قابل تسری به شهروندان معلول می‌باشد. انزوای معلولان، عدم تأمین زیرساخت مناسب جهت اشتغال معلولان، اعمال تبعیض در دستیابی به مشاغل، کاهش مشارکت معلولان و بی‌توجهی دولت‌ها به این امور، مخاطراتی را برای جامعه ایجاد می‌کند. لذا توسعه برنامه‌های توان‌بخشی، افزایش فرصت‌های شغلی، تداوم اشتغال معلولان، امنیت شغلی، اتخاذ سیاست‌های حمایتی از جمله مصادیقی می‌باشند که در قوانین داخلی کشورها باید به طور خاص مورد توجه قرار گیرد. مقررات داخلی مبانی حق اشتغال را برای همه از جمله معلولین مشخص می‌کند که به بررسی آن می‌پردازیم، این مبانی و این اصول را می‌توان در رأس قوانین، یعنی قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات جستجو کرد. اصولی چون کرامت انسانی، اصل برابری و تبعیض مثبت شغلی که خوشبختانه در قوانین داخلی ما نیز نمود پیدا کرده‌اند.

۴-۱- قانون اساسی

مبانی حق اشتغال در قانون اساسی برای همه در اصول ۳ بند ۱۲، ۲۸، بند ۲ اصل ۴۳ تبیین شده است. وفق اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت، متعهد به تأمین شرایط مساوی برای احراز مشاغل شده است که لازمه‌ی بهره‌مندی شهروندان معلول از این شرایط، توانمند ساختن هر چه بیشتر آنان از امکانات آموزش و حرفه‌آموزی برای حضور در جامعه و نقش‌آفرینی مؤثر است. افزون بر اصول یاد شده، در اصول ۱۹ الی ۲۱، همچنین اصل ۳۱ قانون اساسی به تکلیف دولت بر ایجاد زمینه برابری شهروندان در جامعه تأکید شده است و صریحاً مواردی از این برابری‌ها را اشاره می‌نماید. با وصف این، به نظر چنین می‌آید که لازمه‌ی تحقق عدم تبعیض‌ها در مورد معلولان، توجه لازم و کافی دولت و دولتمردان و تصمیم‌گیران در سطوح کلان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، به وضع و اعمال آن در قوانین کارآمد و اجرای دقیق آن در راستای منافع شهروندان معلول است. در مسیر تحقق، برابری و برخورداری شهروندان معلول از فرصت‌ها، دولت دست کم مکلف است در عین اینکه به شهروندان معلول همانند سایر شهروندان می‌نگرد، آنان را از شرایط و خدمات ویژه‌ای برخوردار گرداند؛ زیرا ارائه‌ی خدمات توان‌بخشی به شهروندان کم‌توان، مهمترین وظیفه

دولت‌ها در جهت ایجاد فرصت برابر برای توان‌خواهان تعریف شده است. (نصیب، ۱۳۹۰: ۹) اصول مذکور ناشی از اصل کرامت انسانی است. کرامت انسانی ارزش فطری و ذاتی است از این جهت هیچ تفاوتی بین انسان سالم و معلول وجود ندارد. دولت‌ها برای رسیدن به زندگی عادلانه یا برابری، شیوه‌های مختلفی را در پیش گرفته‌اند که یکی از آن شیوه‌ها، تبعیض معکوس یا مثبت است. شیوه‌ای که به نفع گروه‌هایی که در موقعیت آسیب‌پذیرتری هستند، اعمال می‌شود و از این طریق، تلاش می‌شود تا موقعیت آن‌ها را به موقعیت عادلانه‌تر نزدیک کنند. به عبارتی برای رسیدن به هدف برابری، وسایل مورد نیاز آن فراهم شود تا فرد معلول بتواند به آزادی استقلال و منابع دسترسی داشته باشد و جهت احقاق حقوق خود تلاش کند. (موسوی، ۱۳۹۶: ۹۳)

۴-۲- قانون کار (۱۳۶۹)

قانون کار جمهوری اسلامی ایران، در مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ و نیز در تبصره‌های ۱، ۲ و ۳ ماده ۱۱۹ دولت را مکلف کرد که امکانات آموزشی لازم را برای جویندگان کار فراهم سازد و اقدام به ایجاد مراکز کارآموزی خاص معلولان و جانبازان با همکاری وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذیربط نماید.

به موجب تبصره ۲ ماده ۱۱۹، دولت موظف است تا در ایجاد شرکت تعاونی (تولیدی، کشاورزی، صنعتی و توزیعی)، معلولین را از طریق اعطای وام‌های قرض‌الحسنه درازمدت و آموزش‌های لازم و برقراری تسهیلات انجام کار و حمایت از تولید یا خدمات، آنان مورد حمایت قرار داده و نسبت به رفع موانع معماری در کلیه مراکز موضوع این ماده و تبصره‌ها که معلولین در آن‌ها حضور می‌یابند، اقدام نماید.

با توجه به تأکید قانون کار به اشتغال معلولان، کارفرمایان بخش خصوصی با توجه به نگرش منفی که به معلولین دارند، کمتر به کارآیی آنان توجه کرده و اگر هم کاری به این قشر واگذار گردد، از روی ترحم و دلسوزی می‌باشد. قشرهای مختلف مردم جامعه، حتی طبقات تحصیل کرده، از توانمندی‌های بالقوه و بالفعل معلولین آگاهی نداشته و آنان را افرادی ناتوان می‌پندارند که قادر به کار نبوده و بیشتر نیاز به کمک‌های مادی و حمایت مستمر دارند. (معطوفی، ۱۳۸۹: ۱۱۰) بنابراین، هنگامی بخش خصوصی به استخدام معلولین اقدام می‌کند که برایش مقرون به صرفه باشد. عدم توانمندسازی معلولین، به علت عدم فراگیری مهارت و بی‌مهارتی غالب معلولین، عامل دیگری است که بخش خصوصی از استخدام معلولین اجتناب می‌نماید. آموزش و فراگیری حرفه و مهارت‌ها، بدون اختصاص بودجه‌ای برای این کار از طرف دولت و حمایت دولت و سازمان‌های دولتی امکان‌پذیر نیست. (انصاری دزفولی، ۱۳۹۵: ۲۵)

۴-۲-۱- قانون الزام دولت جهت استخدام ده درصد از پرسنل مورد نیاز خود از بین جانبازان انقلاب اسلامی و بستگان شهدا (۱۳۶۴)

بنابر قانون مذکور که مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره است، وفق تبصره یک قانون مقرر می‌دارد، دستگاه‌های مذکور در ماده واحده مکلفند سه درصد از پرسنل مورد نیاز خود را از بین شهروندان معلولان عادی در مشاغل مناسب با رعایت کلیه مقررات مربوط و با هماهنگی سازمان بهزیستی کشور تأمین نمایند.

۴-۲-۲- قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور (۱۳۶۷)

به موجب ماده واحده قانون مذکور، کلیه مراکز دولتی و غیردولتی می‌توانند با افزودن سنوات خدمت ارفاقی به افرادی که حداقل ۲۰ سال تمام سابقه دارند و البته این سابقه و مقدار سنوات بنا به نوع معلولیت متفاوت است، آن‌ها را بازنشسته نمایند. ماده واحده مذکور، از جهت گستره شمول به تمامی معلولان اعم از جانبازان، معلولین حوادث ناشی از کار، بیماران ناشی از شرایط خاص کار و معلولین عادی اطلاق می‌شود.

در مورد بازنشستگی به قانون اصلاح قوانین پوشش بیمه تأمین اجتماعی، نحوه بازنشستگی پیش از موعد و از کارافتادگی معلولان کشور مصوب ۱۳۸۳ اشاره کرد. کلیه افراد معلولان در بخش دولتی مدیریت خدمات کشوری و کارکنان مشمول قانون کار (تأمین اجتماعی) و بخش غیر دولتی (حرف و مشاغل آزاد) به شرط داشتن حداقل ۱۵ سال تمام سابقه خدمت و یا پرداخت حق بیمه، براساس درخواست کتبی آنان و تصویب صندوق بازنشستگی یا سازمان بهزیستی کشور، الزاماً بدون شرط سنی (آقایان ۵۰ سال و خانم‌ها ۴۵ سال) با افزودن سنوات خدمت ارفاقی برای افراد دارای معلولیت خفیف، متوسط، شدید و خیلی شدید (لحاظ سنوات تا پوشش ۳۰ سال خدمت) که شامل حال تمامی افراد معلول گردد.

تمامی معلولان شدید و خیلی شدید، از حداقل مستمری ماهیانه برابر با ۳۰٪ حقوق پایه اداره کار تا زمان بهره‌مندی از خدمات بازنشستگی پیش از موعد و خانواده‌های آنان یا کسانی که مسئولیت نگهداری از معلول را بر عهده دارند (از جمله کارکنان مراکز نگهداری، توانبخشی و اجتماعی و...)، از قوانین بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور بهره‌مند گردند.

۴-۲-۳- قانون جامع حمایت از حقوق معلولان

تا پیش از به تصویب رسیدن قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در سازمان بهزیستی کشور، معاونتی تحت عنوان معاونت اشتغال سازمان بهزیستی کشور وجود داشته که متولی اشتغال ۳ گروه زنان سرپرست خانوار، معلولین و بیماران بهبودیافته مثل معتادان بود. (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۷۹)

باید اذعان داشت که قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳ با دو ضابطه‌ی جامعیت و محوری بودن، از جمله کارآمدترین قوانینی است که در زمینه‌ی حمایت از حق‌ها و بهره‌مندسازی شهروندان معلول تدوین شده است. همچنین به باور دغدغه‌مندان حقوق معلولان، این قانون توانسته گامی رو به پیش در جهت حمایت از اشتغال افراد دارای معلولیت و به تبع آن اشخاص نابینا و کم‌بینا ایفا نماید و در ردیف نظام حمایتی مطلوب از حقوق اشخاص دارای معلولیت مورد استناد قرار گیرد. (طیبیان، ۱۳۹۰: ۸۴)

وفق ماده ۷ قانون یاد شده، دولت موظف است جهت ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد معلول، تسهیلاتی را فراهم کند. بند «الف» ماده‌ی ۷ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳، اشعار می‌دارد: ۳ درصد از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی و کارگری) دستگاه‌های عمومی و دولتی که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌نمایند را به افراد معلول واجد شرایط اختصاصی می‌دهد.^۱ در مقام مقایسه باید اشاره داشت که در کشورهای نظیر ژاپن و آلمان، کارفرمایانی نسبت به استخدام افراد ناتوان یا دارای معلولیت، کمتر از حد نصاب سهمیه پیش‌بینی شده ناظر بر دستیابی آسان معلولان به فرصت‌های شغلی می‌ورزند، کوتاهی ورزند، مسئول شناخته شده و جریمه می‌شوند که این هزینه‌ها

۱. تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۷ کلیه وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی را مجاز می‌داند تا سقف مجوزهای استخدامی سالانه خود، افراد نابینا و ناشنوا و معلولین ضایعات نخاعی واجد شرایط را رأساً به صورت موردی و بدون برگزاری آزمون استخدامی به کار گیرند. همچنین تبصره‌ی ۳ این ماده سازمان بهزیستی را مجاز (و نه موظف) می‌داند تا در قالب اعتبارات مصوب خود صندوق فرصت‌های شغلی معلولان را دائر نماید.

صرف هزینه‌های مالی کارگاه‌های حمایت شده یا اعطای پاداش به آن دسته از کارفرمایانی خواهد شد که اشخاص شدیداً ناتوان را آموزش داده و به استخدام خود درمی‌آورند. (علوی، ۱۳۸۱: ۶۰) به طور کلی سیاست‌های رایج دنیا در حوزه‌ی دفاع از حقوق معلولان به دو گروه تشویقی و تنبیهی تقسیم می‌شود. بیشتر سیاست‌های تنبیهی مبتنی بر جریمه‌های واریزی به صندوق‌های رفاهی - حمایتی معلولان است. به نظر می‌رسد در ایران، سازمان‌های حامی حقوق معلولان، علاقه‌ای به اجرای سیاست‌های تنبیهی ندارند و در حوزه‌ی سیاست‌های تشویقی رویکرد تمرکز بر علاقه‌مند کردن بخش خصوصی به استخدام معلولان - با پرداخت سهم بیمه‌ی کارفرمایی کارگران معلول توسط سازمان بهزیستی - مورد توجه قرار گرفته است.

در تبصره ۱ ماده ۷ کلیه دستگاه‌های دولتی را مجاز دانسته تا سقف مجوزهای استخدامی سالانه خود، افراد نابینا و ناشنوا و معلولین ضایعات نخاعی واجد شرایط را رأساً به صورت موردی و بدون برگزاری آزمون استخدامی به کار گیرند. همچنین در تبصره ۳ ماده فوق آمده است: «سازمان بهزیستی کشور مجاز است در قالب اعتبارات مصوب خود، صندوق فرصت‌های شغلی معلولان و مددجویان بهزیستی را ایجاد و اساسنامه آن را به تصویب هیأت وزیران برساند.» همچنین بند د ماده ۷ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان که پرداخت تسهیلات اعتباری خوداشتغالی به افراد معلول به میزان مشخص شده در قوانین بودجه سالانه را، از زمره وظایف دولت در راستای ایجاد فرصت‌های شغلی برای معلولان قلمداد نموده است.

مثال دیگر در خصوص نقض این قانون، می‌توان به آزمون استخدامی سال ۱۳۹۳ آموزش استناد کرد. طبق قانون یاد شده آموزش و پرورش ملزم به اختصاص سه درصد این استخدام به جامعه معلولان بود که به آن عمل نکرد، این وزارتخانه در دولت دهم، زیر بار اجرای این ماده نرفت، تا جایی که وزیر وقت از مجلس کارت زرد گرفت.

در اعتراض به این روند، ۵ نفر از معلولان در اعتراض به این موضوع به دیوان عدالت مراجعه کردند و علیه وزارتخانه رأی گرفتند. بعد رأی آن‌ها، به رأی وحدت رویه تبدیل شد. آموزش و پرورش بعد از گرفتن این رأی و با عناد بر سر موضوع، درخواست اصلاح رأی وحدت رویه کرد و هیأت عمومی نیز گفت، این درخواست مشمول ماده ۹۷ و از موارد اصلاح رأی نیست. در واقع تقاضای آموزش و پرورش را رد کرد، اما توضیحاتی در رأی آورد که بسیار هم خطرناک است و معلولان متأسفانه نسبت به آن سکوت اختیار کرده‌اند.

۴-۲-۴- قانون حمایت از حقوق معلولان (۱۳۹۷)

این قانون با ۳۴ ماده و ۲۹ تبصره در ۱۳۹۷/۱/۲۲ به تأیید شورای نگهبان رسید. فصل پنجم این قانون از ماده ۱۰ الی ۱۶ به موضوع کارآفرینی و اشتغال معلولین اشاره می‌کند. به موجب ماده ۱۰ قانون مذکور، وزارت مکلف است در قالب اعتبارات مصوب سازمان، صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی افراد دارای معلولیت تحت پوشش را ایجاد کند. در ماده ۱۱، دولت مکلف است جهت ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد دارای معلولیت تسهیلاتی را فراهم کند

به موجب تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون مذکور، حقوق و دستمزد فرد دارای معلولیت شاغل، بر اساس مصوبات شورای عالی کار و سایر قوانین و مقررات مربوط از سوی کارفرما پرداخت می‌شود.

همچنین بنابر ماده ۱۵ قانون یاد شده، دولت متعهد و مکلف است که دست کم سه درصد از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه‌های دولتی و دیگر دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند، به جز موارد ذکر شده در بندهای ت و ث ماده ۱۱، این قانون را به افراد دارای معلولیت واجد شرایط اختصاص دهد.

مهمترین موضوع در این قانون، ضمانت اجرای مشخص شده در تبصره ۲ ماده ۱۵ قانون حمایت از حقوق معلولان می‌باشد. متخلفان حسب مورد با حکم مراجع ذیصلاح به مجازات تعزیری جزای نقدی درجه ۵ تا ۸ موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

۴-۲-۵- تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری

تصویب‌نامه حقوق شهروندی، در باب حمایت از افراد توان‌خواه به هنگام مراجعه به دستگاه اداری اشاره کرده است و ناظر به موضوعاتی، از جمله نحوه تعامل کارمندان با افراد توان‌خواه، و تجهیزات دستگاه اداری متناسب با استفاده افراد مذکور می‌باشد. از این‌رو، افزون بر موارد مورد توجه قانون، شایسته و بجاست که به حق استخدام معلولان در بندهای تصویب‌نامه اشاره شود تا دستگاه‌های اجرایی، موظف به اتخاذ تدابیر قانونی و اجرایی گردند و نظام راهبری و نظارت (ماده ۱۸) و ضمانت اجراها (ماده ۱۹) تصویب‌نامه، در جهت تضمین حق استخدام معلولان قابل اعمال شود. (پروین، ۱۳۹۸: ۲۲)

۴-۲-۶- برنامه‌های ۵ ساله

اشتغال معلولین در برنامه‌های ۵ ساله توسعه نیز درج شده است.

در بند ۷-۱۶ برنامه دوم توسعه، به ایجاد زمینه‌های آموزش و اشتغال معلولین و جانبازان، با توجه به قابلیت و توانایی‌های آن اشاره شده است.

در بند ج ماده ۱۰۱ قانون چهارم توسعه، با تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، ایجاد توسعه و تقویت سازوکارهای جبرانی، حمایت‌های اجتماعی از شاغلین بازار کار غیررسمی، توانبخشی معلولین و برابری فرصت‌ها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی متناسب، تلاش در گسترش حمایت‌های اجتماعی دارد.

ماده ۳۹ برنامه پنجم توسعه، طراحی نظام سطح‌بندی خدمات حمایتی و توانمندسازی متناسب با شرایط معلولان با تأکید بر برنامه‌های اجتماع، محور را در اولویت قرار داده بود.

در ماده ۷۹ برنامه ششم توسعه مقرر شد، دولت موظف بود که در طول اجرای قانون برنامه، علاوه بر پرداخت یارانه، هر سال حداقل مستمری خانوارهای مددجویان تحت حمایت سازمان بهزیستی را متناسب با سطح محرومیت بر مبنای متوسط بیست درصد (۲۰٪) حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار، در چهارچوب بودجه سنواتی پرداخت نماید.

در ماده ۱۶ لایحه برنامه هفتم تصریح شده: به منظور تقویت انگیزه بنگاه‌ها برای به کارگیری افراد متقاضی کار با توانمندی‌ها یا شرایط خاص که تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی کشور می‌باشند، به منظور توان‌افزایی این افراد و تسهیل ورود آنان به بازار کار، در صورت درخواست افراد مذکور، انعقاد قرارداد با آنها با پرداخت‌های کمتر از حداقل دستمزد و مزایای مصوب سالیانه مجاز است. با توجه به اینکه برای معلولان با توجه به شرایط

خاص فیزیکی، حمایت‌هایی از طرف دولت باید در نظر گرفته شود، ذکر این ماده با اسناد حقوق بشری و موضوع تبعیض مثبت نسبت به معلولان در تعارض می‌باشد.

۴-۲-۷- قانون افزایش پوشش توانبخشی و حمایتی معلولان و زنان سرپرست خانواده (۱۳۸۷)

قانون تأمین اجتماعی

در ماده ۶ قانون تأمین اجتماعی افراد توان‌خواه آمده است: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است پوشش بیمه سلامت افراد دارای معلولیت تحت پوشش سازمان را به گونه‌ای تأمین نماید که علاوه بر تأمین خدمات درمانی مورد نیاز این افراد، خدمات توانبخشی جسمی و روانی افراد دارای معلولیت را پوشش دهد. (کمالی، ۱۳۸۴: ۳۷)

باید افزود که در قانون تأمین اجتماعی همانند قانون کار، برای شخصی که در اثر حادثه‌ای غیر از آنچه از کار ناشی می‌شود، به طور کلی یا جزئی از کارافتاده هستند یا به هر نحوی از انحاء در جریان زندگی ناتوان یا آسیب دیده شوند، حق مستقل و مشخص و منجزی که شهروندان ناتوان و مشمول بتوانند بدان تمسک جویند، شناخته نشده یا اگر شناسایی شده باشد، بسیار ناچیز و به گونه‌ای است که گذران باقی عمر با دل بستن به آن مستمراً تقریباً غیرممکن است.

طبق قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۶) جهت ایجاد فرصت‌های شغلی برای معلولان، دولت موظف شده حق بیمه سهم کارفرما (۲۰ درصد) را از طریق سازمان بهزیستی کشور در اختیار کارفرمایانی، که افراد معلول را به کار می‌گیرند، قرار دهد تا مبلغ مذکور به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شود.

لازم به ذکر است: کسانی که از نظر جسمانی دچار معلولیت یا بیماری خاصی هستند، یا از طریق سازمان بهزیستی معرفی می‌شوند و یا از این طریق معرفی نمی‌شوند: اگر از طرف سازمان بهزیستی معرفی شوند، یا ۱۴ درصد هستند، یا ۱۶ درصد و یا ۲۰ درصد. این مبالغ توسط سازمان بهزیستی به صورت کامل پرداخت می‌شود. در حالت‌های ۱۴ درصد و ۱۶ درصد، چون امکان از کارافتادگی وجود ندارد، اصلاً هیچ نوع معاینه‌ای صورت نمی‌پذیرد و همانند بیمه‌شدگان عادی رفتار می‌گردد، اما در حالت ۲۰ درصد، بحث از کارافتادگی مطرح می‌شود که معاینات خاص خود را دارد.

معاینات براساس کتاب از کارافتادگی تأمین اجتماعی انجام می‌شود. بیمه‌شدگان بیکاری که بیش از ۵۰ درصد معلولیت داشته باشند و بیماران دارای حداقل ۵۰ درصد از کارافتادگی، با تأیید کمیسیون پزشکی صندوق، با حداقل ۴۶ سال سن و ۱۶ سال سابقه، پرداخت حق بیمه بیکاری در صورتی که شاغل نشوند، تا ۴ سال می‌تواند مقرر می‌شود. بیمه بیکاری بگیرند و با ۲۰ سال سابقه خدمت بازنشسته شوند.

۵- تعهدات دولت نسبت به شهروندان معلول

۵-۱- ماهیت تعهد دولت در بهره‌مندی شهروندان معلولان از حق‌ها

باید در نظر داشت که حق‌های شهروندان معلولان در ارتباط با دولت را، می‌توان ماهیتاً از جنس حق - ادعاها در نظریه‌ی هوفلد دانست که نسبت به افراد، ماهیتی حق‌مدار و نسبت به دولت، ماهیتی تعهدمدار دارد. از این‌رو، ساحات کلی تعهدات دولت در «تعهد به احترام» یا «تعهد به شناسایی» یا «تعهد به رفتار» یا «تعهد به حمایت» و «تعهد به ایفا»، از هم باز شناخته می‌شوند. پیرامون ماهیت تعهد دولت در مقابل شهروندان، به طور کلی و شهروندان معلول به نحو ویژه، لازم است اشاره نماییم که دولت در مرتبه‌ی «تعهد به رفتار»، متعهد به انجام اموری و رعایت رفتارهایی مبتنی بر احترام به حقوق شهروندان است. همچنین دولت در «تعهد به احترام» و پاسداشت حقوق شهروندی، موظف و متعهد به اجتناب

از مداخله در آزادی و حق‌های شهروندان است؛ و در «تعهد به حمایت» و پشتیبانی از حقوق شهروندان، متعهد و مکلف به بازداشتن دیگران از مداخله در اصل و بنیان آن حقوق است؛ و در «تعهد به ایفا» و اجرا، متعهد به انجام اقدامات ضروری در تأمین و تضمین حق‌ها و آزادی‌های شهروندان است. این رویکرد، در برابر شهروندان معلول به صورت بارزی نمایان بوده و تعهد دولت را در این زمینه، به صورت اساسی و جدی مطرح می‌نماید. (رحمت‌الهی، ۱۳۹۹: ۱۳۲)

افزون بر آنچه راجع به گوناگونی ساحات تعهد دولت بیان شد، محور اصلی تعهدات دولت، در دو گونه‌ی کلی تعهد دولت در به کارگیری امکانات خاص، یا «تعهد به وسیله» و تعهد دولت در ایجاد نتیجه‌ی مطلوب یا «تعهد به نتیجه» دسته‌بندی می‌شود. با توجه به بافت تعهد دولت در برابر شهروندان معلول، به نظر می‌رسد تعهد، از حد «تعهد به وسیله» که متمرکز بر به کارگیری وسایل و امکانات خاص، به تدارک محتوای حق‌ها برای افراد یا ذی‌حقان، از جمله معلولان است، وسعت می‌یابد و دیگر صرف تعهد و تکلیف دولت به آماده‌سازی وسایل و امکانات و تدارک محتوای حق، در راستای توجه و رسیدگی به معلولان، وافی به مقصود نخواهد بود. (رحمت‌الهی، ۱۳۹۹: ۱۳۴) از این رو، ضرورت دارد تا ماهیت تعهد دولت از حد اکتفا به امکانات موجود تا برآوردن محتوای حق‌ها توسعه یابد و فراتر رود. به دیگر سخن، می‌توان گفت که تعهد دولت در قبال شهروندان معلول، «تعهد به نتیجه» است. با این توضیح که برخلاف تعهد در به کار گرفتن امکانات و وسایل (تعهد به وسیله)، تعهد و تکلیف دولت در برابر شهروندان معلول، تکلیف و مسئولیتی قطعی و منجز بوده و به صرف فراهم‌سازی وسایل یا تدارک امکانات خاص برای شهروندان، دولت بری‌الذمه نخواهد شد. در این میان، با تفکیک دو گونه تعهد دولت به ایجاد نتیجه، تعهد به نتیجه‌ی فوری و تعهد به نتیجه‌ی رو به تزاید، تعهد دولت در برابر شهروندان معلول، تعهد به نتیجه‌ی رو به تزاید است و از این حیث، دولت مکلف است سعی و اهتمام خود را متعهدانه و با استفاده از حداکثر منابع موجود، به منظور ایجاد و تأمین نتایج رو به تزاید حق‌های شهروندان معلول کارگیرد.^۱

۵-۲- تعهد دولت در اشتغال شهروندان معلول با تأکید بر امرآموزش

براساس یکی از رویکردهای نوین در حوزه توانبخشی شهروندان معلول که تحت عنوان «توانبخشی اجتماع محور» شناخته می‌شود، آگاه‌سازی معلولان و برخوردار سازی آنان از آموزش، در کنار دیگر مؤلفه‌ها از جمله: سلامت، اشتغال، ایجاد استانداردهای مناسب و کیفی زندگی و حمایت اجتماعی، از اصول اولیه و اساسی در توانمندی این گروه از شهروندان به شمار می‌آید. اهمیت آموزش در توانمندسازی این افراد، به اندازه‌ای است که متخصصان توانبخشی مبتنی بر جامعه، راه برون رفت معلولان از فقر را سه چیز می‌دانند: آموزش، آموزش، آموزش؛ از این رو می‌توان چنین بیان داشت که توجه به دو حوزه آموزش و پرورش شهروندان معلول، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، زیرا این بخش از حیات فرهنگی آنان، نقش بسیار مهمی در توانمند شدن، اشتغال و کشف استعداد و توانایی‌های آنان دارد. در توضیح

۱. برای مطالعه بیشتر، ن. ک: قاری سید فاطمی، دفتر یکم، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۸، ۴۲. و قاری سید فاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵، ۲۵۷-۲۵۶.

۲. توجه به نیازهای حداقلی و سطح اول زندگی انسانی از جمله: آب، غذا، هوا، سرپناه، و سپس نیازهای سطوح دیگر از جمله بهداشت، و سلامت و آموزش و همچنین توجه به نیازهای عاطفی و استعلایی و تعهد به انجام و بالا بردن آن از سوی دولت‌ها، مجموعاً می‌تواند کیفیت زندگی شهروندی به ویژه شهروندان کم توان مادرزادی یا کم توان در اثر آسیب‌های جسمانی یا اجتماعی را ارتقا دهد. برای مطالعه بیشتر، ن. ک: امید، رضا، غفاری، غلامرضا، کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی، تهران، نشر شیرازه، ۱۳۹۰. و نوسباوم، مارتا، سن، مارتیا، کیفیت زندگی، حسن فشارکی، نشر شیرازه، ۱۴۰۰.

باید گفت که در حقیقت، مقصود یا رسالت بنیادین آموزش و پرورش شهروندان، همانا مسلط ساختن آنان بر محیط پیرامونشان است و این مهم در خصوص شهروندان معلول، دو چندان ضرورت و اولویت می‌یابد.

در تبیین مسئله، لازم است به این نکته اشاره شود که سازوکار این بهره‌مندسازی، از طریق حق دسترسی به تحصیل بدون تبعیض، بهره‌مندی رایگان از تحصیل، رفتار با شئون انسانی با کودکان معلول در دوران تحصیل، تعهد نسبت به رشد و آمادگی آنان در جهت بازگشت به جامعه برای یک زندگی همراه با کرامت انسانی و تعهد شهروندی به جامعه، معنا و میسر می‌گردد.

تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه حق آموزش برای معلولان، فقط محدود به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت نمی‌شود و در میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی اجتماعی و اقتصادی و نیز کنوانسیون حقوق کودکان به این مهم اشاره شده است. در این میان، ماده‌ی ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی اجتماعی و اقتصادی، به حق تمامی افراد، صرف از هر گونه تفاوت، به آموزش و پرورش اشاره دارد. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۱۰)

باری، در مسیر اجرایی‌سازی این تعهدات، مراعات چهار شرط اساسی را می‌توان به عنوان الزامات تحقق تعهد دولت‌ها نسبت به شهروندان به ویژه شهروندان دارای معلولیت، به شمار آورد:

۵-۲-۱- افزایش آگاهی

در خصوص نخستین شرط تعهد دولت در قلمرو آموزش، آگاه‌سازی همگانی، از جمله الزامات دولت در این فرآیند است. از این رو دولت‌ها به منظور افزایش آگاهی شهروندان عادی، درباره معلولان، حقوق، نیازها، توانایی‌ها و استعدادها بالقوه آنان و همچنین فرهنگ‌سازی مساعدت به آنان در جامعه، می‌باید متعهد باشند. در راستای تحقق این هدف، دولت‌ها باید تعهد و تضمین نمایند، مقامات مسئول، داده‌ها و اطلاعات به روز درباره برنامه‌ها و خدمات موجود برای شهروندان معلول، خانواده‌های آنان، افراد حرفه‌ای در این امور را به عموم مردم ارائه می‌دهند.

۵-۲-۲- مراقبت پزشکی

همچنین مطابق شرط دوم، تعهد و مسئولیت دولت‌ها در تضمین ارائه مراقبت پزشکی مؤثر به معلولان امری ضروری دانسته شده است. بر این اساس، دولت‌ها باید برای تشخیص، ارزیابی و درمان سریع لطمات و معلولیت‌ها، به سمت ارائه برنامه‌هایی که به وسیله‌ی گروه‌هایی متشکل از رشته‌های مختلف، اداره و اجرا می‌شود، حرکت نمایند که از بروز آثار و عوارض معلولیت پیشگیری می‌نماید یا آن‌ها را کاهش داده و برطرف می‌کند.

۵-۲-۳- توان بخشی

به عنوان شرط سوم، ارائه خدمات توان بخشی شامل مجموعه‌ای از اقداماتی نظیر: ارزیابی و مشاوره شغلی توسط تیم توان بخشی حرفه‌ای و معرفی جهت فراگیری حرفه، به کارگیری و تثبیت شغلی به منظور استقلال مالی توان خواه، می‌گردد. بنابراین، دولت‌ها باید به منظور تأمین تحقق مشارکت برابر معلولان، ارائه خدمات توان بخشی را با هدف رسیدن معلولان به بهترین میزان استقلال و عملکرد و حفظ آنان، تضمین نمایند.

بدین ترتیب، هدف اصلی توانمندسازی در این افراد را افزایش قدرت و توانایی افراد معلول برای ساختن جامعه‌ای فراگیر می‌باشد. بدیهی است که حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری، از ارکان فرآیند توانمندسازی است و این تنها در سایه مشارکت و درگیر شدن در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات حاصل می‌شود.

۵-۲-۴- خدمات حمایتی

افزون بر موارد یاد شده؛ الزام دیگری به عنوان شرط تحقق مشارکت برابر شهروندان وجود دارد که مراعات آن از سوی دولت ضرورت دارد. در این فرآیند، تکلیف و تعهد دولت‌ها مبنی بر تضمین ایجاد و ارائه خدمات حمایتی از جمله وسایل کمکی به معلولان، در راستای یاری آنان برای ارتقای میزان استقلال آنان در زندگی روزمره و اعمال حقوق‌شان، ضروری دانسته شده است.

هدف از شناسایی و یادآوری و الزام به این شروط، همانا تضمین این امر است که شهروندان (دختران، پسران، زنان و مردان) معلول، به عنوان اعضای جامعه خود احساس تعلق اجتماعی کنند و بتوانند حقوق و تعهدات برابر با دیگران داشته باشند. در تمامی جوامع از جمله کشورهای توسعه یافته، هنوز می‌توان به محدودیت‌هایی اشاره کرد که مانع از اعمال حقوق و آزادی‌های معلولان می‌شود و مشارکت فعالانه شهروندان معلول را در کنشگری اجتماعی و فرهنگی را دشوار می‌سازد. انجام اقدامات مناسب برای حذف چنین موانعی از مسئولیت‌های دولت‌هاست. از این رو، پیامد مسئولیت‌شناسی دولت‌ها می‌تواند زمینه‌ای فراهم سازد تا شهروندان معلول و سازمان‌های آنان نقشی فعال در عرصه اجتماعی ایفا کنند. بنابراین، می‌توان برابری فرصت‌ها برای شهروندان معلول را ضرورتی انکارناپذیر در تلاش عمومی و جهانی برای بسیج منابع انسانی دانست. (ابراهیمی، ۱۳۹۲)

۶- نتیجه‌گیری

عدم شناخت صحیح نسبت به پدیده معلولیت و مجموعه توانمندی‌های افراد دارای ناتوانی و به دنبال آن نفی و محروم ساختن این افراد و یا ترحم نسبت به آنها به جای رفتارهای انسانی و منطقی، پیامدهای منفی بسیاری را به جامعه انسانی و متأثر از آن به سرمایه اجتماعی بالقوه و خلاق به نام معلولان تحمیل خواهد کرد. شناخت صحیح از این پدیده و آگاهی از توانمندی افراد دارای ناتوانی و استفاده‌ی بهینه از این نیرو گام مؤثری در جهت توسعه و تعالی فرهنگی اجتماعی-سیاسی خواهد بود.

در هر حال، اجرای کامل قوانین معلولان، ایمان داشتن به توانایی‌های آنان، راه دادن معلولان در مناصب اجرایی، حمایت و تقویت تشکلهای غیردولتی حامی معلولان و الگوبرداری از کشورهای توسعه یافته در مقوله رعایت حقوق معلولان می‌تواند معلول ایرانی را از پيله‌ای که دولت، معلولان را در آن محصور ساخته است، رها کند. در نظام حقوقی ایران با الهام از قانون اساسی در خصوص کار و اشتغال معلولین مقررات متعددی وضع شده است. قانون جامع حمایت از حقوق معلولین نقطه عطفی در تاریخ قانون‌گذاری برای معلولین می‌باشد که در این قانون موضوعاتی از جمله: مناسب سازی، آموزش حرفه‌ای، استخدام ویژه به نفع معلولین، کمک‌های مالی و فنی و... مورد توجه قرار گرفته است. مجمع عمومی سازمان ملل نیز از طریق قطعنامه‌های مختلفی از جمله قطعنامه قواعد استاندارد بر پایه برابری فرصت‌ها برای افراد معلول، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون حقوق معلولین، برای احقاق حقوق معلولین گام برداشته است.

با توجه به گستره‌ی حق‌ها و تضمینات ماهوی و رویه‌ای اسناد حقوق بشری و ضروریاتی که برای شهروندان معلول وجود دارد، به نظر می‌رسد در نظام حقوق عمومی ایران، بسیار ضروری و حائز اهمیت است که دولت تعهد و تکالیف سنگین‌تری را از پیش در زمینه برابرسازی فرصت‌ها برای شهروندان دارای ناتوانی یا کم‌توانی و معلولیت، به عهده گیرد و در صدد افزایش میزان برخوردارسازی شهروندان و کاهش نابرخورداری‌های موجود، اهتمام جدی ورزد. همچنین باید اشاره داشت که در حوزه‌ی تکالیف دولت، وفق قوانین و مقررات موضوعه در دو حوزه مدنی و رفاهی، در زمینه‌های مختلف توانبخشی، آموزشی، اشتغال، تأمین اجتماعی و... به دلیل فراگیر نبودن قوانین و هزینه‌های بالا و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فقدان نظارت، ارزشیابی، فقدان ضمانت اجرایی کافی، چنانکه باید، نتوانسته شرایط برابر و منصفانه‌ای را برای زندگی و مشارکت شهروندان معلول فراهم آورد. از این رو، هم‌آوا با آنچه پیشتر در مقدمه مقاله یاد شد، لازم است در حوزه‌ی تعهدات دولت در قبال شهروندان معلول بازنگری صورت گیرد و در این مسیر، دولت با التزام به اموری همچون: فراهم سازی تسهیلات مالی و مالیاتی و مشوق‌هایی برای کارفرمایانی که مبادرت به استخدام معلولان می‌کنند؛ ایجاد کارگاه‌های تولیدی و حمایتی و گسترش تعاونی‌های تولیدی، تجاری - خدماتی برای معلولان و به کارگیری آن‌ها در اداره تعاونی‌ها و کار؛ گسترش انجمن‌ها و کانون‌های معلولان، به عنوان پل ارتباطی بین معلولان و واحدهای مسئول‌کاری؛ و بهره‌مندسازی شهروندان معلول از آموزش رایگان قبل و ضمن استخدام، بیش از پیش متعهد به حمایت و تأمین و تضمین حداقل نیازهای زندگی شهروندان معلول باشد و افزون بر آن تمام مساعی خود را برای ایجاد زمینه‌های ارتقای کیفیت زندگی و متعاقب آن افزایش حس رضایت‌مندی و شادکامی شهروندان معلول در حیات اجتماعی ایشان فراهم آورد.

منابع

- ابدی، سعیدرضا، آگاه، وحید، حقوق کار افراد دارای معلولیت در ایران: از نخستین تلاش‌های بین‌المللی تا کار شایسته، فصلنامه توانبخشی، (۱۳۹۱)، دوره سیزدهم، شماره اول، شماره مسلسل ۵۱، صص ۱۰۱-۸۸.
- ابراهیمی، محمد، (۱۳۹۲)، قواعد استاندارد درباره برابری فرصت‌ها برای معلولان، تهران، مراکز جامعه معلولین ایران
- امید، رضا، غفاری، غلامرضا، (۱۳۹۰)، کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی، چاپ دوم، تهران، نشر شیرازه
- امیرارجمند، اردشیر، (۱۳۸۶)، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- بهری خیای، بهمن، عابدینی، عبدالله، اشتغال معلولین از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، (۱۳۹۷)، شماره ۳، صص ۱۴۲-۱۰۹.
- بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۷۹)، حقوق کودک و حقوق کودکان معلول در قوانین داخلی و بین‌المللی، تهران، پژوهشکده کودکان استثنایی
- پروین، خیرالله، (۱۳۹۵)، حقوق بشر از نظر تا عمل، تهران، نشر میزان.
- پروین، خیرالله، حسن آبادی، مسعود، حق بر استخدام معلولان در دستگاه‌های اجرایی ایران با تاکید بر بررسی موردی آرای هیات عمومی دیوان عدالت اداری، فصلنامه حقوق اداری، (۱۳۹۸)، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۳۱-۹.
- توسل نائینی، منوچهر، کاویار، میرحسین، تاملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین‌المللی، اندیشه‌های حقوق خصوصی، (۱۳۸۷)، دوره ۵، شماره ۱۳، صص ۵۰-۲۹.
- حسینی، سید حسن، صفری، فاطمه، معلولیت، فقر و طرد اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، (۱۳۸۷)، شماره ۳۱، صص ۲۸۴-۲۶۵.
- رحمت الهی، حسین، آقامحمدآقایی، احسان، (۱۳۹۹)، دوره پیشرفته حقوق عمومی مکتب حقوق طبیعی و حقوق موضوعه و آثار آن در ساختار قدرت و حقوق عمومی، تهران، انتشارات حقوقی مجد.
- السان، مصطفی، حقوق بشر و حقوق کارگران معلول در مقررات داخلی و بین‌المللی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، (۱۳۸۳)، سال سوم، شماره ۱۳، صص ۸۰-۵۷.
- طباطبایی سید احمد، نوری نشاط، سعید، تعهدات جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق فرهنگی افراد معلول، مجله حقوق خصوصی، (۱۳۸۸)، دوره ۶، شماره ۱۵، صص ۱۳۱-۱۰۵.
- عراقی، عزت الله، رنجبران، امیرحسین، (۱۳۹۱)، تحول حقوق بین‌المللی کار، چاپ اول، تهران، موسسه کار و تأمین اجتماعی
- عمرانی، سلمان، بکشلو، رضا، محمدی، محمدرضا، تبعیض مثبت با تبعیض روا؟ تاملی بر مفهوم شناسی تبعیض در نظام حقوقی ایران، فصلنامه حقوق اداری، (۱۴۰۱)، سال ۹، شماره ۳۰، صص ۱۲۰-۹۹.
- قاری سید فاطمی، سیدمحمد، تحول گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آیین حقوق بشر معاصر، مجله پژوهش‌های حقوقی، (۱۳۸۷)، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۲۰۸-۱۸۵.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، (۱۳۸۷)، حقوق بشر در جهان معاصر، چاپ دوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش
- مصفا، نسرین، اقدامات بین‌المللی در حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۱۳۸۱)، شماره ۵۸، صص ۲۷۰-۲۵۳.

- موسوی بافتی، عاطفه سادات، حقوق استخدامی و اجتماعی کارگران معلول در مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی، دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۴.
 - موسوی، عاطفه، بررسی حقوق استخدامی معلولان در مقررات داخلی با نگاهی به اسناد بین‌المللی، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، (۱۳۹۶)، دوره ۳، شماره ۱/۲، صص ۸۸-۱۰۰.
 - نصیب، سید محمدحسین، جهان‌بین، سید عبدالله، جهان‌بین، سید فخرالدین، نگرش بر وضعیت حقوق معلولان در ایران (در پرتو حمایت‌های رفاهی و مدنی دولت، نشریه حقوق اساسی، (۱۳۹۰)، شماره ۱۶، صص ۱۶۸-۱۴۱.
 - نوسبوم، مارتا، سن، آمارتیا (۱۴۰۰)، کیفیت زندگی، حسن فشارکی، تهران، نشر شیرازه.
 - یوسفیان، الهام، تاملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در پرتو مقررات کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت، مجله پژوهش‌های حقوقی، (۱۳۸۷)، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۲۱۹-۲۰۹.
-
- Nubberger, Angelika, work, right to , international protecyion, max planck encyclopedia of public international law (online version, march 2007, para 37)
 - OREILY, A, 2007, The right to decent work of persons whit disabilities, International Labour office, Geneva



Feasibility of the right to employment of disabled citizens from the perspective of relevant laws and international documents

Abstract

The right to employment of the disabled, on the one hand, based on citizenship considerations, is the concern of most general and special human rights documents, both international and regional, and on the other hand, due to the special physical and mental requirements of citizens, it may require special commitment from the governments. based on behavioral considerations and support requirements. In the meantime, the principle of equal employment opportunity and the principle of prohibition of discrimination, which are the most fundamental principles in all human rights documents and domestic laws, target the government as a responsible and committed institution, and the government's commitment in the field of disabled people's rights is justified. Positive discrimination requires a reinterpretation of rights and duties. In Iran's legal system, according to the comprehensive law on the comprehensive protection of the rights of the disabled, almost all governmental, semi-governmental bodies and organizations, public and revolutionary institutions and even some times private and non-profit organizations are required to provide cultural, economic, social and educational support to the disabled citizens. The title of the first law, which has such a broad view on the issues of the disabled, is important. Despite this, short comings are observed in the implementation of policies and laws, including the employment of disabled citizens in jobs that they have the talent and ability to do, due to not having the appearance accepted by the society. Therefore, the authors in this article are trying to measure the possibility of benefiting disabled citizens from their right to employment in the society in the light of relevant laws and emphasizing the government's obligations.

Key words: right to employment of disabled citizens, relevant laws, international documents, government commitment

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی